

آموزش مطالبه محور

آموختن برای زیستن یا زیستن برای آموختن؟

در مباحث "توسعه" با محوریت انسان در جامعه، اهدافی را برمی‌شمارند که در تعلیم و تربیت در محیط‌های علمی و آکادمیک و حتی آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و از آن جدی‌تر در دوره پیش دبستانی نیز باید در مد نظر قرار گیرد، تا خروجی مجموعه آموزش دانش نظری و مهارت‌ها (بالینی در طب) بیش از آنکه یک فرد دارای مدرک با / یا بدون تیتراژ کارشناس، ارشد، دکترا، متخصص، فوق‌...، پروفیسور و مهندس را تحویل جامعه بدهد، باید دید که جایگاه وی در هرم توسعه را در کجا قرار می‌دهد؟ و ورود آن دانش‌آموخته به چه میزان ظرفیت قطار توسعه را به پیش می‌برد؟

ویژگی‌های عمومی انسان توسعه یافته

اندیشمندان "انسان توسعه یافته" را محور توسعه جامعه می‌دانند. مشخصات چنین انسان در تراز عمومی عبارتند از:

- ۱- به حقوق و تکالیف مدنی خود آشنا بوده و ضمن عمل به وظایف، حقوق خود را مطالبه نماید.
- ۲- اعتماد به نفس منطقی دارد و می‌داند و می‌فهمد که اگر اراده کند، می‌تواند "همه" مشکلات را با تعقل و تدبیر حل و فصل کند.
- ۳- مهربان و خردگرا است، خوب فکر می‌کند و با عجله سخن نمی‌گوید و نتیجه‌گیری و قضاوت نمی‌کند.
- ۴- در سخن گفتن نیاز به تظاهر و دروغ و چاپلوسی ندارد.
- ۵- روحیه مشارکت‌پذیری، همفکری و همکاری با دیگران و مشورت و تقسیم کار را باور دارد و بدان عمل می‌کند.
- ۶- تأثیرپذیری ناشی از تبلیغات زیان‌بار و کاذب بر او اثر ندارد و همواره بر نگاه کارشناسی، در قالب عقل و تجربه و مشورت به تجزیه و تحلیل و تصمیم می‌رسد.

۷- روحیه همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه دارد. با خود سازگار و با محیط زندگی‌اش هماهنگ است. محیط زندگی‌اش را تغییر می‌دهد، اما با شرایط نمی‌جنگد.

۸- به تندرستی و سلامت جنسی و روانی خود اهمیت می‌دهد، تفریح می‌کند و از زندگی لذت می‌برد.

۹- روش گفتاری، منش کرداری و نوع نگاه و چهره‌اش به گونه‌ای است که مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و در همه امور منطقی است.

۱۰- اجازه می‌دهد دیگران حرف خود را تمام کنند و بیشتر سکوت می‌کند تا حرف بزند و بیشتر می‌شنود تا بگوید.

۱۱- کتاب می‌خواند، برای کل جامعه و آینده آن تلاش می‌کند و نه صرفاً برای گروه و اطرافیان و یا صنف خود.

۱۲- به محیط زیست خود اهمیت می‌دهد، با حیوانات مهربان است و مرعوب مقامات اداری و حکومتی نیست و از اینکه میراثی ارزشمند از خود در جامعه به یادگار بگذارد، خرسند است.

آسیب‌شناسی نظام آموزشی ما

مشکلات ما در سیستم آموزشی دربرگیرنده تمام مقاطع تحصیلی از پیش‌دبستانی تا آموزش عالی اعم از زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان است.

یک نظریه رادیکال منسوب به "ایوان ایلیچ" تحت عنوان "آموزش فارغ از مدرسه" مطرح است که صرف‌نظر از طرح یک سلسله حقایق و واقعیت‌ها که نظریه‌پرداز ارایه می‌کند، حداقل امروزه قابلیت اجراء ندارد.

با اینکه تمدن در خاورمیانه پیشینه‌ای بیش از ۵ هزار سال دارد و انتقال فرهنگ از طریق نوشتن صورت می‌گیرد، تنها ۱۰٪ کل جمعیت این جوامع تا چند وقت پیش قادر به نوشتن و خواندن بودند، و این نشان‌دهنده

آموزش مطالبه محور

آموختن برای زیستن یا زیستن برای آموختن؟

در مباحث "توسعه" با محوریت انسان در جامعه، اهدافی را برمی‌شمارند که در تعلیم و تربیت در محیط‌های علمی و آکادمیک و حتی آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و از آن جدی‌تر در دوره پیش دبستانی نیز باید در مد نظر قرار گیرد، تا خروجی مجموعه آموزش دانش نظری و مهارت‌ها (بالینی در طب) بیش از آنکه یک فرد دارای مدرک با / یا بدون تیتراژ کارشناس، ارشد، دکترا، متخصص، فوق...، پروفیسور و مهندس را تحویل جامعه بدهد، باید دید که جایگاه وی در هرم توسعه را در کجا قرار می‌دهد؟ و ورود آن دانش‌آموخته به چه میزان ظرفیت قطار توسعه را به پیش می‌برد؟

ویژگی‌های عمومی انسان توسعه یافته

اندیشمندان "انسان توسعه یافته" را محور توسعه جامعه می‌دانند. مشخصات چنین انسان در تراز عمومی عبارتند از:

- ۱- به حقوق و تکالیف مدنی خود آشنا بوده و ضمن عمل به وظایف، حقوق خود را مطالبه نماید.
- ۲- اعتماد به نفس منطقی دارد و می‌داند و می‌فهمد که اگر اراده کند، می‌تواند "همه" مشکلات را با تعقل و تدبیر حل و فصل کند.
- ۳- مهربان و خردگرا است، خوب فکر می‌کند و با عجله سخن نمی‌گوید و نتیجه‌گیری و قضاوت نمی‌کند.
- ۴- در سخن گفتن نیاز به تظاهر و دروغ و چاپلوسی ندارد.
- ۵- روحیه مشارکت‌پذیری، همفکری و همکاری با دیگران و مشورت و تقسیم کار را باور دارد و بدان عمل می‌کند.
- ۶- تأثیرپذیری ناشی از تبلیغات زیان‌بار و کاذب بر او اثر ندارد و همواره بر نگاه کارشناسی، در قالب عقل و تجربه و مشورت به تجزیه و تحلیل و تصمیم می‌رسد.

۷- روحیه همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه دارد. با خود سازگار و با محیط زندگی‌اش هماهنگ است. محیط زندگی‌اش را تغییر می‌دهد، اما با شرایط نمی‌جنگد.

۸- به تندرستی و سلامت جنسی و روانی خود اهمیت می‌دهد، تفریح می‌کند و از زندگی لذت می‌برد.

۹- روش گفتاری، منش کرداری و نوع نگاه و چهره‌اش به گونه‌ای است که مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و در همه امور منطقی است.

۱۰- اجازه می‌دهد دیگران حرف خود را تمام کنند و بیشتر سکوت می‌کند تا حرف بزند و بیشتر می‌شنود تا بگوید.

۱۱- کتاب می‌خواند، برای کل جامعه و آینده آن تلاش می‌کند و نه صرفاً برای گروه و اطرافیان و یا صنف خود.

۱۲- به محیط زیست خود اهمیت می‌دهد، با حیوانات مهربان است و مرعوب مقامات اداری و حکومتی نیست و از اینکه میراثی ارزشمند از خود در جامعه به یادگار بگذارد، خرسند است.

آسیب‌شناسی نظام آموزشی ما

مشکلات ما در سیستم آموزشی دربرگیرنده تمام مقاطع تحصیلی از پیش‌دبستانی تا آموزش عالی اعم از زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان است.

یک نظریه رادیکال منسوب به "ایوان ایلیچ" تحت عنوان "آموزش فارغ از مدرسه" مطرح است که صرف‌نظر از طرح یک سلسله حقایق و واقعیت‌ها که نظریه‌پرداز ارایه می‌کند، حداقل امروزه قابلیت اجراء ندارد.

با اینکه تمدن در خاورمیانه پیشینه‌ای بیش از ۵ هزار سال دارد و انتقال فرهنگ از طریق نوشتن صورت می‌گیرد، تنها ۱۰٪ کل جمعیت این جوامع تا چند وقت پیش قادر به نوشتن و خواندن بودند، و این نشان‌دهنده

یک ضعف تاریخی در آموزش سیستماتیک نسلی این منطقه جغرافیایی است.

تعلیم و تربیت در دوره مادها در محدوده پیوندهای خانوادگی و گروهی و نظامی بود، و در دوران هخامنشی به خانه‌ها و سپس مدارس نظامی نیز گسترش یافت و در دوره ساسانی روی نیروی کار تمرکز یافت ولی بیش از آنکه گسترش عمومی یابد، محدود به خانواده‌های خاص گردید و در کنار پرورش نخبه‌ها و ترویج قانونگرایی عملاً بدنه جامعه محروم ماندند. در همین دوره دانشگاه جندی شاپور (قرن سوم) بعد از یونان و قبل از الازهر در مصر و بولونیا در ایتالیا و آکسفورد در انگلیس نیز قدم به عرصه ترویج علم در یک گستره وسیع گذاشتند.

آموزش مدرن با ظهور دارالفنون آغاز شد و در دوران پهلوی اول با تأسیس مدارس و برچیدن مکتب‌خانه‌ها و اجباری شدن تعلیم و در ادامه با ایجاد دانشگاه‌ها وارد عرصه دنیای امروزی شد.

از نظر تئوری، آموزش در ایران به روش پیازه و محتوای محور است و نه مطالبه محور، و معلم به صورت یک طرفه انتقال می‌دهد و فراگیر، آموخته‌ها را انبار می‌کند!

با ظهور جنبش تحول‌خواهی در نظام آموزشی در دهه ۷۰ قرن بیستم میلادی و با همکاری ملل متحد (یونسکو) مدارس کار و دانش، هنرستان‌ها، مدارس عالی فنی حرفه‌ای و دانشگاه‌های علمی کاربردی در اقصی نقاط دنیا به ویژه در ممالک اروپایی راه‌اندازی گردید.

امروزه سیر تحولات دانشگاه‌های معتبر دنیا از محوریت صرفاً کار آموزشی به پژوهشی و سپس در سال‌های اخیر به تربیت نیروهای کارآفرین و فناوری‌های نوین و تجاری‌سازی ایده‌ها پرداختند و عملاً از حالت مصرف کننده صرف بودجه به مولد درآمد تبدیل شدند.

استانداردهای بین‌المللی فدراسیون جهانی آموزش پزشکی

۱- کاهش آموزش نظری و تأکید بر مهارت‌های بالینی پزشکان

۲- روش‌های تدریس آموزشی مبتنی بر مسأله به جای تعلیم‌مدار

۳- تأکید بر روی آموزش همگانی و تدریس در جامعه نسبت به بیمارستان‌ها

۴- ایجاد نگرش به ارتقاء سلامت جامعه و طب پیشگیری

۵- ایجاد دستجات آموزشی کوچک (هسته) برای طرح مسأله‌های اختیاری و ابتکاری که برخورد می‌کنند و هدایت بحث توسط مربی (تربیت و پایش به جای تدریس)

۶- ادغام موضوعات بالینی در سراسر برنامه آموزشی این روش‌ها که به طور خلاصه در بالا طرح شد، بر اساس یک بررسی روی ماندگاری فناوری آموزشی نیز استوار است، که ۳ ساعت بعد از یک مطلب نظری ۷۰٪ و ۳ روز بعد ۱۰٪ در ذهن فراگیر می‌ماند و اگر همان موضوع به صورت عملی منتقل شود، پس از ۳ ساعت ۷۲٪ و بعد از ۳ روز ۲۰٪ و اگر توأمآ آرایه شود به ترتیب ۸۵٪ و ۶۵٪ ماندگاری دارد.

نتیجه‌گیری

بر پایه مطالب فوق که قطعاً مستندات کافی برای اثبات موضوعات مطروحه در منابع موجود است، باید تجدید نظر اساسی در روش‌های آموزشی خود در مراکز تربیت کننده کاردان، کارشناس، دستیار بیهوشی و تحصیلات تکمیلی در دوران کارآموزی، کارورزی، رزیدنتی و فلو و همچنین برگزاری همایش‌ها در دوره‌های کوتاه مدت ضمن کار و خدمت اعم از مدون و غیر مدون ایجاد کنیم. صرف هزینه‌های گزاف با منابع محدود مالی بیش از پیش ما را بر آن می‌دارد که هیچ روشی را تا از نظر هزینه - فایده مورد ارزیابی و سنجش قرار نداده‌ایم به کار نگیریم. برای حسن ختام بر پایه یک پژوهش دیگر هرم روش‌های آموزش از نظر تأثیر برای سخنرانی (۵٪)، مطالعه مستقیم منبع (۱۰٪)، سمعی بصری (۲۰٪)، بحث گروهی (۳۰٪) و عملی یا بالینی (۵۰٪) برآورد می‌شود.

شورای سردبیری